

تجارت در قلمرو باوندیان اسپهبدیه طبرستان (۶۶۶-۶۰۶هـ.ق)

مجتبی خلیفه^۱
زمانه حسن نژاد^۲

چکیده: شکوفایی اقتصادی و رشد تجارت از طریق مسیرهای زمینی و دریایی از شاخصه‌های تاریخ سده‌های میانه ایران است. حمایت فرمانروایان مسلمان از فعالیت‌های اقتصادی، به ویژه تجارت با سرزمین‌های دوردست، در سیاست‌های آنان مبنی بر وضع قوانینی در حمایت از تجارت، ایجاد کاروان‌سراها، کاهش مالیات‌های گمرکی و اقدام‌هایی از این دست نمایان است. بیشترین رونق اقتصادی این دوران، در سرزمین‌هایی بروز یافته بود که در مسیرهای اصلی تجارت عصر خود قرار داشتند.

طبرستان به عنوان قسمتی از اراضی تابع حکومت مرکزی که در مسیر جاده تجاری خراسان - که بعدها جاده ابریشم خوانده شد - قرار داشت، از تحولات و رشد اقتصادی جهان اسلام تأثیر پذیرفته بود. باوندیان در این دوران بر بخش وسیعی از سواحل جنوبی دریای خزر حکومت می‌کردند و در این نواحی سیاست‌های اقتصادی جدیدی به اجرا در آوردند که با برخی اصلاحات اقتصادی همراه بود. اصلاحات مورد نظر منجر به رشد شهرنشینی و اقتصاد متکی بر تجارت در طبرستان و سایر نقاط سواحل جنوبی دریای خزر شد. این نوشتار در پی بررسی وضعیت اقتصادی قلمرو باوندیان در حوزه تجارت است.

واژه‌های کلیدی: دریای خزر، طبرستان، باوندیان، تجارت، ابریشم

۱ استادیار دانشگاه بیرجند، khalife-m@yahoo.com

۲ کارشناس ارشد تاریخ از دانشگاه بیرجند، zamane-hasannejad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۲۸، تاریخ تأیید: ۹۱/۴/۲۷

Trading in Ispahbadiyeh Bavandids' Territory of Tabaristan (466-606A.H.)

Mujtaba Khalifeh¹

Zamaneh Hasan-nezhad²

Abstract: Economic flourishing and commercial development through marine and land routes have been some of the characteristics of middle ages in Iran. Muslim rulers' supports of economic operations, particularly trading with remote areas are quite clear in their policies through supporting trade, establishing caravansaries, decreasing customs laws and etc. The most economic flourishing of this age occurred in lands which were located in their major routes of their trade age.

Tabaristan as part lands subordinated by the central government situated in Silk Road and Fur Road, has been influenced by economic growth of Islamic world, Bavandids were dominating a huge part of southern coast of Caspian Sea and accomplished new economic policies in their own lands which was accompanied by some economic reforms. These reforms led to the growth in urban life and an economy based on trade in Tabaristan and other areas located in southern coasts of Caspian Sea. This article aims at considering the economic status in Bavandids' realm in the area of landing and trade.

Keywords: Tabaristan, Bavandids, Economy, Trade, Silk

1 Assistant Professor Birjand University khalife- m@yahoo. com

2 Senior Expert of History from Birjand University zamane_ hasannejad@yahoo.com

مقدمه

باوندیان از جمله حکومت‌های محلی ایران بودند که در پناه جغرافیای خاستگاهشان یعنی طبرستان مدت ۷۰۰ سال به حیات خود در سه شاخه ادامه دادند که در این مقاله وضعیت تجارت در قلمرو شاخهٔ دوم آنان که ملقب به اسپهبدیه بودند در فاصلهٔ سال‌های ۴۶۶ تا ۶۰۶ هـ.ق هم‌عصر با سلجوقیان و خوارزم‌شاهیان مورد نظر بوده است.

در بررسی ساختار و سنت‌های اقتصادی رایج در جوامع مختلف، آگاهی نسبت به دو مسئله دارای اهمیت است: نخست بافت طبقاتی جامعهٔ مورد نظر که زمینه‌ساز واکنش‌های روانی دخیل در فعالیت‌های اقتصادی است. دوم زیست بوم جغرافیایی آن جامعه که تعیین‌کنندهٔ سنت اقتصادی غالب در جامعهٔ باوندیان بوده است. اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که سرزمین‌های تحت تسلط باوندیان هم‌زمان با سده‌های میانهٔ تاریخ ایران از چه ساختار طبقاتی برخوردار بوده و جغرافیای اقتصادی آن‌ها چه تأثیری بر روند اقتصادی آن‌ها داشته است.

تسلط ترکان سلجوقی بر ایران با رشد اقتصاد متکی بر تجارت در جهان اسلام هم‌زمان بود. طبرستان از مسیرهای تجاری بود که ایران مرکزی و جنوبی را با سرزمین‌های آن سوی خزر پیوند می‌داد. تجارت ابریشم، برده و پوست با جنوب سیبری و اروپای شرقی از مسیر دریای خزر، سلجوقیان و باوندیان اسپهبدیه را در زمینهٔ تجارت با یکدیگر مرتبط می‌ساخت.

توجه دولت مرکزی به تجارت زمینه‌ساز توجه بیشتر دولت‌های محلی چون باوندیان به امر تجارت شد. هر چند قلمرو باوندیان اسپهبدیه در آغاز ساختاری روستایی داشت و بخش عمدهٔ ساکنان آن از راه کشاورزی و مشاغل وابسته به آن ارتزاق می‌کردند، با این حال تحولات اقتصادی ناشی از اصلاحات شاه غازی رستم (۵۳۵-۵۸۵ هـ.ق) و تأثیر پذیری از روند رشد تجارت در سده‌های میانه، منجر به رشد تجارت و به تبع آن پیدایش شهرهای جدید، گسترش شهرهای پیشین و پیشرفت شهرنشینی و فعالیت‌های اقتصادی متکی بر داد و ستد در طبرستان سده‌های میانه شد.

با مقدمهٔ ذکر شده، حال پرسش زیر مطرح می‌گردد:

۱. رشد شهرنشینی و اقتصاد متکی بر تجارت در قلمرو باوندیان اسپهبدیهٔ طبرستان (۴۶۶-

۶۰۶ هـ.ق) چه جریانی را طی نموده است؟

۱ بهاء‌الدوله محمدبن‌حسن بن‌اسفندیار کاتب (۱۳۶۶)، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، ج ۲، تهران: کلالهٔ خاور، ج ۲، ص ۷۹.

در پاسخ به پرسش بالا این نوشتار در پی آزمودن فرضیه زیر است.

۱. رشد تجارت و شهرنشینی در طبرستان روندی تدریجی داشته و متأثر از رشد تجارت در عصر سلجوقی بوده است

۱. جغرافیای تاریخی

باوندیان اسپهبدیه در فضایی جغرافیایی به نام طبرستان پدیدار شدند که از اراضی دوردست خلافت عباسی به شمار می‌آمد و توسط کارگزاران اداره می‌شد. به بیان منابع تاریخی و جغرافیایی، به سرزمین‌های جنوب و جنوب شرقی دریای خزر طبرستان گفته می‌شد. منظور از طبرستان سرزمین‌های کوهستانی قلمرو باوندیان بود و برای اراضی جلگه‌ای این نواحی، از عنوان مازندران استفاده می‌شد. اما با توجه به استفاده منابع از طبرستان، در این متن نیز از همان نام استفاده شده است. ابن حوقل این ناحیه را سرزمینی پر آب، پوشیده از جنگل و پر باران معرفی نموده است.^۱

تاریخ طبرستان ابن اسفندیار که منبعی موثق در باره طبرستان است، قلمرو باوندیان را شامل ۲۷ شهر و ۳۰۰ پارچه روستا، و حدود آن را از ارازان تا جرجان و از دریای خزر تا طالقان می‌داند،^۲ و منابع دیگر، آن را شامل شهرهای آمل، ساری، مامطیر، ترنجه، میله، ناتل، شالوس، رویان و کلار دانسته‌اند.^۳

جغرافیای سیاسی قلمرو باوندیان از دو عرصه جلگه‌ای و کوهستانی تشکیل شده بود. در تقسیم‌بندی‌های تاریخی و بومی به سرزمین‌های کوهستانی طبرستان، و به نقاط جلگه‌ای مازندران اطلاق می‌گشت. حتی خواجه نظام‌الملک از طبرستان و مازندران به عنوان دو ایالت مستقل یاد کرده است.^۴ این تقسیم‌بندی با گذشت زمان به دست فراموشی سپرده شد. اما در این مقاله از ذکر عنوان طبرستان، تمامی عرصه‌سیاسی قلمرو باوندیان مورد نظر بوده است.

شهر فریم خاستگاه باوندیان در قسمت کوهستانی قلمرو باوندیان قرار داشت و در آغاز اقتصاد غالب آن کشاورزی بود، اما با توسعه سیاسی باوندیان در نواحی جلگه‌ای و مرکزیت

۱ ابن حوقل (۱۳۶۶)، سفرنامه‌های حوقل، (ایران در صورت الارض)، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲ ابن اسفندیار، همان، ج ۱، ص ۲۲.

۳ ابن رسته (۱۳۶۵)، اطلاق النفسیه، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۷۶.

۴ خواجه نظام‌الملک (۱۳۷۲)، سیرالملوک (سیاست نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۳، ص ۲۲۴.

یافتن شهر ساری^۱، با توجه به پویایی و نفوذ پذیری نقاط جلگه‌ای، ارتباط باوندیان اسپهبدیه با سایر دولت‌های محلی و دولت مرکزی سلجوقیان افزایش یافت و با تجارت و ویژگی‌های اقتصادی آن آشنا شدند.

۲. شهرهای مهم

باوندیان در آغاز اقتصاد بسته‌روستایی داشتند. هرچند محیط‌های جغرافیایی چون طبرستان خود تولید کننده و مصرف کننده بودند،^۲ اما تأثیر رشد تجارت در سرزمین‌های مجاور و وسوسه کسب درآمدهای مالیاتی که از طریق تجارت به دست می‌آمد، سبب توسعه تجارت شد. در جوامعی که تجارت کم اهمیت باشد، با رشد اقتصاد کشاورزی و زمین‌داری روبه‌رو می‌شویم،^۳ که باوندیان نخستین در این سطح بودند. اما با رشد تجارت، شهر و شهرنشینی نیز در کنار آن توسعه پیدا کرد.

شهر در اصطلاح اقتصادی به فضایی گفته می‌شود که اقتصاد آن بر بازار و تجارت متکی باشد، نه کشاورزی. پیش از سیاست‌های تازه شاه غازی - از شاهان دوره اقتدار باوندیان که برای ارتقای تجارت تلاش نمود - شهرنشینی در قلمرو باوندیان و حتی در تمامی سرزمین‌های ساحل جنوبی دریای خزر مرسوم این تعریف نمی‌شد. علت این امر عدم آشنایی آنان با جامعه شهری نبود، چرا که شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران از پیشینه خوبی بهره می‌برد، بلکه جغرافیای خاص این ناحیه و معانی، اندیشه‌ها، اعتقادات، ترس‌ها و انگیزه‌های مادی و غیر مادی بود که بر افکار بومیان و زمین‌داران این ناحیه حکمفرمایی داشت.

از قدیم این اندیشه در بین مالکان و اشراف غلبه داشت که پرداختن به تجارت و بازرگانی و کنار گذاشتن اقتصاد کشاورزی، موجب تغییر در سلسله مراتب اجتماعی خواهد شد که در آن، فرد زمین‌دار مورد احترام زیردستان اوست. این اندیشه همواره یکی از موانع رشد شهرها در نواحی جغرافیایی متکی به اقتصاد کشاورزی بود. با وجود این، از پیش از این دوران، در قلمرو باوندیان شهرهایی وجود داشت، شهرهایی مانند طمیس، ساریه، مامطیر، آمل، نائل و

۱ [مجهول المؤلف] (۱۳۶۲)، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات طهوری، ص ۱۴۷؛ ابواسحاق ابراهیم اصطخری (۱۳۴۸)، *مسالك و الممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۳، ص ۱۷۲.

۲ مارک بلوخ (۱۳۶۳)، *جامعه فتودالی*، ترجمه بهزاد باشی، ج ۱، تهران: انتشارات آگاه، ص ۱۳۴.

۳ همان، ص ۱۳۱.

کلار،^۱ که در ناحیه جلگه‌ای واقع بودند. در این نوشتار از شهرهای مذکور اصطلاحاً باعنوان شهرهای مازندران یاد شده و در قسمت ارتفاعات یا به بیان جغرافیایی در طبرستان، از دو شهر شهمار و فریم سخن به میان آمده است.

شهمار در نزدیکی فریم، مرکز فرمانروایی باوندیان بود که در شرق کوه های شروین یا جبال قارن قرار داشت.^۲ شهمار و فریم ظاهراً تنها شهرهای ناحیه کوهستانی بودند که در زمان باوندیان شاخه دوم عنوان شهر به خود گرفتند. آن دو پیش از آن بارها به عنوان روستا یا چند پارچه روستا شناخته می‌شدند، چرا که بر اساس سنت ایران باستان منتسب بودن به زمین و روستا سبب اعتبار خاندان بود و شهرنشینی امتیازی محسوب نمی‌شد و از آنجا که باوندیان نخستین خود را وارث اندیشه ایران شهری می‌دانستند، در انتساب خود به مالکیت اراضی روستایی و کشاورزی اصرار داشتند. اما پس از تأثیر پذیری از جوامع مجاور خود که در آن‌ها شهرنشینی رشد کرده بود و آشنایی با مزایای اقتصاد شهری به ویژه در عصر شاه غازی و پس از آن، شهمار و فریم عنوان شهر یافتند، زیرا در منابع آن عصر در گزارش زلزله سال ۵۳۲ هـ ق در فریم^۳ که منجر به نابودی آن شد، از آن به نام شهر یاد شده است.

حسام الدوله شهریار باوندی در فریم قصری با سه بام بر روی هم بنا کرد و به دور آن حصاری مستحکم و خندقی تعبیه کرد که دارالحکومه و ارگ آن ناحیه محسوب می‌شد. در حومه شهر نیز که بیرون از حصار قرار داشت، رباط و کاروان‌سرای بزرگی ایجاد نمود و پنج دروازه برای شهر قرار داد.^۴ در این شهر اغلب عناصر شهری که در بالا از آن یاد شد، وجود داشت. در مرکز این شهر، حتی پیش از زلزله فریم که منجر به ویرانی شهر شد، بازاری وجود داشت که هر پانزده روز یک بار بر پا می‌گردید که در آن به خرید و فروش کنیز می‌پرداختند.^۵ در سده‌های پنجم و ششم هجری قمری نیز این بازار وجود داشته و به احتمال فراوان گسترش یافته است.

در ناحیه جلگه‌ای یا مازندران دو شهر از اعتبار بیشتری برخوردار بودند: ۱. ساری، ۲. آمل.

۱ ابن‌حوقل، همان، ص ۱۱۸.

۲ [مجهول المؤلف]، همان، ص ۱۴۷؛ و. بارتولد (۱۳۸۶)، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران: انتشارات توس، ج ۳، ص ۲۳۶.

۳ سید حسین بناقتی (۱۳۸۴)، شجرة الامجاد فی تاریخ میرعماد، تصحیح فریده یوسفی زیربانی، ساری: نشر سفلین، ص ۲۲.

۴ ابن‌اسفندیار، همان، ج ۲، ص ۸۰؛ اردشیر برزگر (۱۳۸۰)، تاریخ طبرستان، ج ۲، تهران: رسانش، ص ۸۴.

۵ [مجهول المؤلف]، همان، ص ۱۴۷.

شهر ساری یا ساریه بعدها علی رغم مخالفت محافظه کاران و طبقات سنتی، پایتخت باوندیان گشت. ساری شهری آباد و پر جمعیت بود که بازرگانان بسیاری در آنجا سکونت داشتند و با دیگر نقاط جهان به تجارت حریر، پرنیان و صندل می پرداختند.^۱ این شهر دارای چندین بازار و یک بارو بود که گرد آن خندقی حفر شده بود و بارشد شهرنشینی در آنجا، آب انبار، پل و بناهای عام‌المنفعه بسیاری ساخته شد. ساری در گذشته از قزوین که از شهرهای مهم ایران بود، بزرگ‌تر و پر رونق‌تر توصیف شده است.^۲ این شهر بر اثر حمله‌های مؤیدآی ابه و تاخت و تازهای خوارزم‌شاهیان از رونق افتاد و مانند دیگر نقاط قلمرو باوندیان بر اثر هجوم مکرر ترکان اقتصاد کشاورزی و تجارت آن آسیب فراوان دید. این شهر پس از تجربه چندین دهه رشد شهرنشینی و اقتصاد شهری، دچار رکود و بازگشت به عقب شد؛ به گونه‌ای که بعدها فریم و ساری که هر یک شهری جداگانه در عصر باوندیان بودند، توسط یک والی اداره شدند.^۳

شهر دوم این ناحیه آمل بود.^۴ این شهر در سده‌های نخست اسلامی حاکم نشین مسلمانان بود و در روبه‌روی ساری قرار داشت که مرکز خاندان‌های ایرانی به حساب می‌آمد. ابن‌حوقل که به این شهر سفر کرده، آن را از قزوین بزرگ‌تر و دارای بناها و عمارت‌های بزرگ و قدیمی دانسته است.^۵ این شهر دارای مسجد جامع نیز بود؛ اما در ساختار شهر عناصر رایج در آن عصر مشاهده نمی‌شود؛ هر چند این شهر نیز مانند ساری دارای دارالحکومه، بازار و مسجد جامع بود. آمل، برخلاف اکثر شهرها، برج و باروی، ویژه نظام دفاعی شهرهای قدیم را نداشت. در سده‌های نخست اسلامی گرداگرد آن ربض بود. بسیاری از مردم این شهر، بازرگان بودند و به تجارت کالاهای تولیدی این شهر، چون جامه‌های کتانی، دستار، فرش و حصیر طبری، نارنج و ترنج می‌پرداختند. فقدان ساختار دفاعی جدی این شهر در کنار رونق تجاری آن، دلیلی بر امنیت آن شهر بوده است.

بندر الهم (علمده) در قسمت ساحلی آن قرار داشت و عملاً بندر این شهر به حساب می‌آمد و از آن برای رفت و آمد و تجارت استفاده می‌شد. این شهر از مدنیت بالایی برخوردار بود. در

۱ همان، ص ۱۴۵.

۲ اصطخری، همان، ص ۱۷۲.

۳ حمدالله مستوفی قزوینی (۱۳۳۶)، *نزهة القلوب*، ترجمه محمد دبیر سیاقی، [ابی‌جا]، [ابی‌نا]، ص ۱۹۸.

۴ احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی (ابن‌واضح) (۱۳۴۷)، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۵۲.

۵ ابن‌حوقل، همان، ص ۱۲۳.

آن مسجد جامع، مدارس و بیمارستان وجود داشت.^۱ مقدسی آمل را شهری دارای پارچه‌های زیبا، وسایل رفاهی و یک بیمارستان و دو مسجد جامع معرفی می‌کند،^۲ که یکی از این مسجدها در کنار بازار قرار داشته است. این ویژگی مرکز شهر در سده‌های میانه، به دلیل اهمیت جایگاه طبقه بازرگانان بود و معمولاً مسجد جامع نقشی فراتر از کارکرد مذهبی داشته و محل تجمع بازاریان و طبقات مختلف اجتماعی بوده است. رشد و رونق آمل پس از توسعه اقتصادی عصر شاه غازی، سبب شد در معرض حمله‌های ترکان قرار گیرد و بازاریان که امنیت مالی و جانی خود را در خطر می‌دیدند، برای جلوگیری از رکود تجارت در این شهر از اسپهبد باوندی یاری طلبیدند.^۳ این شهر به احتمال فراوان از سوی حاکم سلجوقی به یکی از شاهزادگان به اقطاع داده می‌شد و این مقطع و حاکم باوندی باید حقوق یکدیگر را رعایت می‌کردند؛ هرچند این امر موجب جنگ‌هایی می‌شد، اما در مواردی، همچون مثال بالا که حضور ترکان در شهر امنیت آن را تهدید می‌کرد، بزرگان و رعایای شهر از حاکم باوندی درخواست کمک می‌کردند. در این حادثه چاولی از سوی سلطان سنجر مقطع و شحنة آمل در ری بود. اسپهبد از او خواست قلعه را به او واگذار کند، اما او در این کار تأخیر کرد. از این رو، اسپهبد به آمل لشکر کشید و جنگ طولانی شد و در نهایت به صلح انجامید.^۴

از شهرهای حاشیه جنوبی دریای خزر گرگان^۵ یا به گفته منابع جرجان بوده و به احتمال فراوان گرگان الگوی یک شهر جدید در عصر سلجوقی به شمار می‌رفت و باوندیان در بنای شهرهای جدید و رشد مظاهر شهر نشینی آن را مورد توجه قرار داده‌اند. هرچند در برخی از برهه‌های تاریخی، این شهر و نواحی پیرامون آن که به طور معمول جزو قلمرو باوندیان به حساب می‌آمده‌اند، از استقلال نسبی برخوردار بودند که شاید علت آن استقلال و رونق اقتصادی آن بوده است.

ابوریحان بیرونی به ملاقات خود با یک یهودی به نام یعقوب بن موسی تفرشی در گرگان

۱ حدودالعالم، همان، ص ۱۴۵؛ ابن اسفندیار، همان، ج ۱، ص ۷۱؛ گی لسترنج (۱۳۷۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۳، ص ۳۹۵.

۲ ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی (۱۳۸۵)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۲، تهران: انتشارات کومش، ص ۵۲۶.

۳ ابن اسفندیار، همان، ج ۲، ص ۶۵.

۴ همان، ص ۷۶.

۵ مجهول المؤلف، همان، ص ۱۴۳.

اشاره می کند^۱ که شایان توجه است، چراکه در طول تاریخ، یهودیان بنا به عرف در مراکز و شهرهای مهم اقتصادی و تجاری حضور داشته و اغلب به فعالیت‌های تجاری و واسطه‌ای ناشی از آن مشغول بوده‌اند. حضور یهودیان در گرگان می‌تواند دلیلی بر توسعه و رشد تجارت این شهر بوده باشد.

قانون‌های مربوط به اقتصاد و تجارت در این شهر متأثر از قانون‌هایی بود که کارگزار خلیفه‌عباسی مطرح می نمود. در نامه تفویض منصب نیابت دیوان اشراف به خواجه عمیدالدین نامی در مازندران و گرگان در دوران سنجر اشاره شده که امور مربوط به معاملات در شهر گرگان به وکیلان دیوان خاص و امور مربوط به دقت و نظارت بر دخل و خرج در این شهر به این فرد اختصاص داشته است.^۲ در این فرمان حکومتی شهر گرگان از سایر سرزمین‌های طبرستان متمایز شده و در نامه به طور جداگانه به امور اقتصادی آن شهر اشاره شده که خود بیانگر جایگاه اقتصادی این شهر در عصر سلجوقی است.

۳. فرمانروایان باوندی

دوران حاکمیت باوندیان اسپهبدیه در طبرستان، مانند بسیاری از سلسله‌ها به دوره‌های تأسیس، اوج و زوال تقسیم شدنی است. در اینجا به چند مورد از شاهان تأثیرگذار سلسله باوندیان اسپهبدیه اشاره می‌شود: حسام الدوله (۴۶۶ ه.ق) مؤسس شاخه دوم باوندیان را باید از شخصیت‌های اصلی سیاسی باوندیان دانست، هر چند او فعالیت اقتصادی یا تجاری شایان ملاحظه‌ای انجام نداد، اما از طریق پیوند خویشاوندی با سلجوقیان پایه‌های قدرت خود را مستحکم نمود. پس از او برای مدتی با جنگ‌های جانشینی در ناحیه مواجه هستیم.^۳ دوران طلایی باوندیان که با اصلاحات و رشد سیاسی و اقتصادی^۴ در طبرستان همراه بوده با نام شاه غازی‌رستم (نصیرالدوله) پیوند یافته است. او در فاصله سال‌های ۵۳۵-۵۵۸ ه.ق به مرد اول عرصه سیاست در شمال ایران تبدیل شد. هر چند شاه غازی در منابع چهره‌ای مستبد دارد، اما به

۱ ابوریحان بیرونی (۱۳۶۳)، *آثارالباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۴۲۸.

۲ سید علی مؤید ثابتی (۱۳۴۶)، *اسناد و نامه‌های تاریخی از اوایل دوره اسلامی تا اواخر عهد شاه اسماعیل صفوی*، تهران: انتشارات طهوری، صص ۴-۴۱.

۳ ابن اسفندیار، همان، ج ۲، صص ۴۰-۴۱.

۴ همان، ص ۷۹؛ ظهیرالدین مرعشی (۱۳۶۱)، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، مقدمه از محمد جواد مشکور، به کوشش محمد حسین تسبیحی، تهران: نشر گستره، صص ۱۶-۱۹.

اقدامات عام المنفعه او اشاره شده است.^۱

چون جانشینان شاه غازی، علاء الدوله حسن و حسام الدوله اردشیر، توانایی و کفایت وی را نداشتند و دوران رونق اقتصادی و تجاری با مرگ شاه غازی، کمرنگ گشت و دوران زوال فرا رسید. سیاست‌های خشن نظامی علاء الدوله حسن^۲ و حمله‌های ترکان غز در عصر حسام-الدوله اردشیر، سبب نارضایتی مردم، زوال کشاورزی و از دست رفتن شهر تجاری مهم گرگان گردید. هرچند شمس‌الملوک (مقتول در سال ۶۰۶ هـ.ق) آخرین شاه از بوندیان شاخه اسپهبدیه شناخته می‌شود، اما در واقع دوران زوال سیاسی، اقتصادی و تجاری بوندیان با مرگ شاه غازی رستم- که می‌توان او را مصلح اقتصادی طبرستان در سده‌های میانه نامید- آغاز شده بود.

۴. طبقات اجتماعی بوندیان

همزمان با به قدرت رسیدن اسپهبدان در فریم در حدود سده ششم هجری قمری، فریم از دو بخش اصلی تشکیل یافته بود: ۱. جبال دیلم، ۲. بلوک بنافت.^۳ در جبال دیلم، دیلمیانی با پیشه نظامی‌گری حضور داشتند و در بلوک بنافت بزرگان زندگی می‌کردند.

قلمرو کوهستانی و جلگه‌ای بوندیان از نظر بافت طبقات اجتماعی متفاوت بود. در نواحی کوهستانی با محوریت شهر فریم، اشراف زمین‌دار در رأس امور قرار داشتند و اسپهبدان بوندی ریاست آنان را عهده دار بودند. نفوذ اجتماعی بوندیان علاوه بر جنبه مادی که ناشی از مالکیت آنان بر اراضی گسترده بود، جنبه معنوی نیز داشت.^۴

بخشی از جمعیت فریم نیز از راه پرورش کرم ابریشم روزگار می‌گذراندند. این عده در آغاز در مقایسه با زمین‌داران، نقش سیاسی و اقتصادی چشمگیری نداشتند. علت آن هم وابستگی اکثریت جمعیت روستایی یا کارگران بدون مزد به کشاورزی بود. اما با گسترش قلمرو بوندیان در نواحی جلگه‌ای و قرار گرفتن‌شان در مسیر تجارت راه ابریشم که در آن

۱ ابن‌اسفندیار، همان، ج ۲، ص ۹۱.

۲ مرعشی، همان، ص ۲۴۶.

۳ یاقوت حموی (۱۳۶۲)، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه پروین گنابادی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ص ۱۷.

۴ بنا به توصیفاتی که از فریم عصر بوندیان ارائه شده است، می‌توان دریافت که بیشتر جمعیت فریم رعیت وابسته به اراضی بوندیان بوده‌اند؛ اما روابط بوندیان با رعایایشان از تقابل و تضاد طبقاتی منشأ نمی‌گرفته است، بلکه مردمان زبردست معتقد به اصالت خون و فرهنگ آنان بودند. این تفکر رایج بین طبقات زبردست زمینه ساز قدرت اقتصادی آنان بود (تحقیقات میدانی از فریم مرکز بوندیان، ۸۹/۳/۹، مصاحبه با کارشناس میراث فرهنگی).

روزگار مسیری پر رونق بود، این عده از قدرتی روزافزون برخوردار شدند. صاحبان حرف یا پیشه‌وران پیش از این عصر، بنا به گفته مؤلف *حدود العالم*، در فریم غریبه شمرده می‌شده‌اند. به اعتقاد وی، مردم فریم تنها به مشاغل کشاورزی و لشکری اشتغال داشته‌اند.^۱ آنان ظاهراً از زمان حسام الدوله شهریار که پس از تصرف ساری بازاری در آنجا بنا کرد و پیشه‌ورانی از سراسر طبرستان در ساری گردآورد،^۲ برای نخستین بار دارای هویت رسمی شدند. با وجود این، جمعیت اصلی فریم که خاستگاه باوندیان محسوب می‌شد، به فنون غیر کشاورزی ناآشنا بودند.

اقتصاد بسته روستایی در آن ناحیه سبب می‌شد رعایای کشاورز مطیع اربابان خود باشند و وابستگی اقتصادی این رعایا زمینه‌ساز تأیید سیاسی باوندیان در این ناحیه می‌شد. روستاییان یا به واقع طبقاتی که از طریق اقتصاد کشاورزی امرار معاش می‌کردند، نسبت به تحولات فکری و فرهنگی و حتی جابه‌جایی طبقاتی واکنش کم‌تری نشان می‌دادند و موجودیت خود را در برابر اندیشه‌های نو حفظ می‌کردند. این ویژگی بر خلاف اندیشه پیشه‌وران و بازرگانان بود. مسئله تقابل دو ناحیه کوهستانی و جلگه‌ای قلمرو باوندیان مشهود بوده است. باوندیان زمانی که در سال ۴۶۶ ه‍.ق به شکل دولت مطرح شدند، با گسترش قلمرو خود در نواحی جلگه‌ای، سیاست توسعه شهرنشینی و شهرسازی را در پیش گرفتند.

۵. اقتصاد کشاورزی باوندیان

بیشتر سرزمین‌های کناره دریاها تأثیر فراوانی در پویایی اقتصادی سرزمین‌های حاشیه‌ای خود دارند و سبب ارتباط مردمان آن با دیگر نواحی و رونق تجارت می‌گردند. اما در قلمرو باوندیان نخستین، اثری از این پدیده مشاهده نمی‌شود. عقیده باستانی و ایرانی تقدس خاک و زمین و اهمیت کشاورزی می‌توانسته دلیل این امر باشد. نبود رودهای قابل کشتی‌رانی نیز بر این امر مؤثر بوده است، زیرا بیشتر این رودها برای آبیاری اراضی کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. ویژگی‌های جغرافیایی و اندیشه به جا مانده از ایران باستان، به تداوم سنت اقتصاد کشاورزی متکی بر مالکیت بزرگ مالکان کمک می‌نمود.

محصولات کشاورزی این سرزمین نیز از تنوع فراوانی برخوردار بود. در ساری انگور،

۱ [مجهول المؤلف]، همان، ص ۱۴۷.

۲ ابن اسفندیار، همان، ج ۲، ص ۸۰؛ بزرگر، همان، ج ۱، ص ۴۸.

غلات، پنبه و میوه به وفور یافت می‌شد. در آمل میوه‌های گرمسیری و سردسیری تولید می‌شد.^۱ ویژگی اغلب شهرهای طبرستان استقلال اقتصادی آن‌ها بوده است؛ به این دلیل که اغلب مواد غذایی و پوشاک در داخل تولید می‌شد. در صورتی که شهر به محاصره در می‌آمد، به هیچ محصولی از خارج نیاز نداشت.

از دیگر ویژگی‌های اقتصادی رایج در قلمرو باوندیان و طبرستان، نقش اقتصادی زنان در این نواحی بود. زنان با فن و حرفه خود روزانه پنجاه درهم درآمد داشتند.^۲ این ویژگی طی سده‌های میانه در سایر سرزمین‌های نجد ایران و حتی جهان اسلام کم‌تر دیده می‌شود. نقش اقتصادی یاد شده ناشی از اقتصاد کشاورزی بوده است. نقش و جایگاه اقتصادی مورد بحث تنها به طبقه عامه و کشاورزان مرتبط نبود. بسیاری از زنان باوندی از قدرت و جایگاه در خوری برخوردار بودند. دختر شاه غازی که آثار عام المنفقه بسیاری از خود به جا گذاشته، صاحب هفت پاره ده در آمل، دکان‌ها، گرمابه‌ها و رباط‌هایی بود که ارثیه او به شمار می‌آمد. وی به علاوه برخورداری از قدرت اقتصادی، از جایگاه سیاسی والایی بهره‌مندی داشت، تا آنجا که پدرش در امور مملکتی با او مشورت می‌نمود. پس از درگذشت، او را در خانقاهی به خاک سپردند.^۳ با توجه به نقش اقتصادی خانقاه، بیشتر زنان نامدار باوندی از اموال خود یا در اراضی ارثیه خویش خانقاهی بنا می‌کردند. هر چند بنای خانقاه عملی در راستای بازرگانی و تجارت به حساب می‌آمده، اما ساخت آن توسط زنان متأثر از ویژگی‌های فکری، فرهنگی و روانی جوامع کشاورزی بوده است.

۶. داد و ستد و بازرگانی

رشد شهرنشینی و اقتصاد متکی بر داد و ستد و بازرگانی از ویژگی‌های تاریخ سده‌های میانه ایران بوده است. باوندیان که قصد داشتند در کنار دیگر دولت‌های محلی هم‌عصر خود در امور مختلف استقلال نسبی کسب کنند، سعی نمودند در قلمرو خود به توسعه شهرنشینی بپردازند. از آنجا که پشتوانه اقتصادی طبقات مختلف مشخص‌کننده قدرت آنان در تعیین حکومت بود، باوندیان که در آغاز با تأیید ملاکین مشروعیت کسب کرده بودند، با توسعه شهرنشینی و

۱ مستوفی، همان، ص ۱۹۸.

۲ ابن‌اسفندیار، همان، ج ۱، ص ۸۱.

۳ همان، ج ۲، ص ۷۴.

تجارت پایه‌های قدرت خود را بر تأیید این طبقه نخواست، یعنی بازرگانان و تجار، تغییر دادند. همین سیاست سبب رونق داد و ستد و بازرگانی در طبرستان شد. اما شهرت طبرستان در تجارت چه نوع کالاهایی بود؟

کالای اصلی تجاری که در مسیرهای بازرگانی یاد شده مبادله می‌شد، کتان و ابریشم بود. در قفقاز با کتان این ناحیه نوعی جامه تهیه می‌شد که مشتریان فراوانی داشت. ناصر خسرو در اشعارش از دو نوع پارچه کتانی و ابریشمی که ویژه این ناحیه بوده، به نام‌های شرب شطوی و شعر گرگانی یاد کرده است:

امروز همی به مطربان بخشی شرب شطوی و شعر گرگانی^۱

کالاهای تولیدی اصلی این ناحیه، برنج، کتان و پرندگان دریایی بود که برخی از آن‌ها مصرف داخلی داشت و برخی دیگر در خارج از طبرستان به فروش می‌رسید. حکیم نظامی گنجه‌ای نیز از برخی کالاهای طبری که به قفقاز می‌آمده، نام برده است. از آن جمله از زربوند مازندرانی که کالایی تزئینی بوده و طبرخون که ظاهراً مصرف نظامی داشته، یاد کرده است. همچنین او به معادن طلای مازندران و مبادله آن با زغال و مشک در قفقاز اشاره می‌کند.^۲ برخی بر این اعتقادند که علت کم‌توجهی خلفا به این سرزمین‌ها در آغاز، عدم رونق تجاری آن نواحی بوده است. اهمیت این سرزمین‌ها زمانی مطرح شد که از سده چهارم هجری قمری پرورش کرم ابریشم و صدور آن سبب توجه به آن‌ها گردید.

ابودلف که در زمان علویان از طبرستان گذر نموده، از دو معدن در نواحی دریای خزر یاد کرده که نخستین آن‌ها معادن طلای مازنداران، و دیگری چشمه‌های نفت بوده که هر چه به باکو نزدیک می‌شده به آن‌ها افزوده می‌گشته، است.^۳ اما استخراج معادن طلا به حدی نبود که در ردیف کالاهای تجاری قرار گیرد؛ در حالی که معادن نفت باکو مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

سفر کشتی‌های روس به سرزمین‌های ساحلی دریای خزر که پیش‌تر به آن اشاره شد،

۱ ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۸۷)، دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی، تصحیح مجتبی مینوی- مهدی محقق، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۷، ص ۶۰.

۲ نظامی گنجه‌ای (۱۳۷۶)، شرفنامه، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره، چ ۲، صص ۴۴۳-۴۴۴.

۳ ابودلف (۱۳۴۲)، سفرنامه ابودلف در ایران، با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین، ص ۴۵.

همیشه به قصد غارت و خشونت نبود، بلکه با مبادلات تجاری نیز همراه می‌شد. به احتمال فراوان بیشتر مبادلات اقتصادی سرزمین‌های حاشیه دریای خزر، پیش از تسلط کامل مسلمانان و دولت‌های ترک در سده‌های میانه در بین خودشان بوده و نشانی از جنگ و دشمنی جدی بین آنان دیده نمی‌شود به جز در مورد روس‌ها. مشکل آفرینی روس‌ها در مسیر دریایی خزر و همسایگان‌شان سبب شد بسیاری از مردم آذربایجان، اران، بیلقان، بردعه، دیلم، گیل و گرگان و طبرستان برای مقابله با آنان اتحادی ایجاد کنند.^۱

روابط تجاری این سرزمین‌ها - قلمرو باوندیان - علاوه بر سرزمین‌های حاشیه دریای خزر، با سایر بلاد اسلام نیز برقرار بوده است. به عنوان نمونه، فوطه یا همان دستار طبری از محصولات مهم طبرستان به شمار می‌رفته که در تمام دنیای اسلام مرغوبیتش زبانزد بوده است.^۲ این روابط تجاری در سطح پایین‌تر با سرزمین‌های دور دست نیز وجود داشته که مربوط به اواخر عصر باوندیان است. از جمله حکایتی هست که نشان می‌دهد فردی از ختن (چین) برای تجارت به طبرستان آمده و در این سفر نزد ابوسعید ابوالخیر اسلام آورده است.^۳ علاوه بر این، از نواحی دوردست خراسان به طبرستان سفرهایی صورت می‌گرفت که از شهرهای باورد، شاد، میهنه، نسا و سرانجام با عبور از سرزمین‌های شرقی طبرستان به آمل می‌رسید. ابوسعید ابوالخیر نیز برای دیدار استادش ابوالعباس قصاب آملی این مسیر را طی کرده است.^۴

ابن‌اسفندیار که در دربار باوندیان حضور داشته و در عصر مورد نظر ما (۴۶۶-۶۰۶ ه.ق) در طبرستان زندگی می‌کرده، از کانی‌های گوگرد، سنگ سرمه و معادن زر و سیم^۵ به عنوان کالاهایی که از منابع طبیعی در طبرستان به دست می‌آمده، یاد کرده است. علاوه بر این، از سنگی به نام سنگ باران که در دیگر سرزمین‌ها از آن برای طلب باران استفاده می‌شده،^۶ و

۱ ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (۱۳۶۸)، *مروج الذهب و معادن جواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ ۴، ص ۱۲۳.

۲ محمد بن منور بن ابی سعید ابی طاهر بن ابی سعید (۱۳۷۸)، *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابو سعید ابوالخیر*، تصحیح حسین بدرالدین، تهران: انتشارات سنایی، ص ۳۲۶.

۳ همان، ص ۴۷۶.

۴ جمال‌الدین ابو روح لطف‌الله بن ابی سعید بن ابی سعید (۱۳۶۶)، *حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر*، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگاه، ص ۶۷.

۵ ابن‌اسفندیار، همان، ج ۱، ص ۸۰.

۶ ابوریحان محمد بن احمد البیرونی (۱۴۱۶ ه.ق)، *الجمواهر فی الجواهر*، تصحیح یوسف الهادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۵۸.

سنگی به نام سیج (نوعی سنگ براق که جواهر نیست) و تنها در هند و طبرستان به ویژه آمل به دست می‌آمده،^۱ یاد کرده‌اند. ظاهراً در طبرستان تنها استخراج و صدور کالاهای معدنی رایج نبوده، بلکه برخی از این کالاها، مانند نوعی آهن، در سرزمین غزها و ارمنستان تولید می‌شده و به طبرستان وارد می‌گشته است.^۲

پارچه‌ها و جامه‌های مختلف حریر^۳ و پشمی مشهورترین کالاهای این ناحیه محسوب می‌شد. انواع کتانی، پنبه، قز و صف، و لباس‌های ویژه طبقات مختلف از جنس‌های گوناگون در طبرستان تولید می‌شد که در نقاط مختلف دنیا طرفدار داشت.^۴ پارچه و جامه‌های متنوع ابریشمی، پشمی، اطلس، نسیم، عتایی گران قیمت، بردهای ابریشمی و پشمی، انماط ستر (سفره های چرمی)، قالی‌های محفوری (سردری)، آبگینه‌های بغدادی و حصیرهای عبادانی (آبادانی) به طبرستان آورده و از آنجا به دیگر نقاط برده می‌شد.

اغلب کالاهایی که در طبرستان تولید می‌شد، یا به قصد تجارت از نقاط دیگر به طبرستان می‌آمد، در بازار آمل مبادله می‌گشت و بیشتر کالاهایی که مردم سرزمین‌های آن سوی خزر، چون بلغار و سقسین، تولید می‌کردند، در بازار آمل عرضه می‌شد. از سقسین (در منابع سقسین آمده است)، مهم‌ترین شهر شمال دریای خزر، تا بندر اهلم در جنوب این دریا در قلمرو باوندیان یک هفته راه بود.^۵

سیاری از بازرگانان از هند، شام، عراق و خراسان برای تهیه این کالاها به آمل می‌آمدند.^۶ در واقع تجارت با سرزمین‌های شمال و غرب دریای خزر در بین بازرگانان قلمرو باوندیان و حتی خود دولت‌مردان باوندی رایج بود، تا حدی که شاه غازی دستور داده بود چهارصد کشتی بزرگ به دریا بیندازند که به سفر سقسین، باکویه و دربند بروند و در شهرهای مهم و مراکز تجاری، نمایندگان تعیین کرد.^۷ «در بغداد خواجه کیا و اصفهان و چلاب ... و در دربند ابوالحسن تاجر و خوارزم صاین طبری تعویذی و ری عزالدین محمد مختار و سقسین احمد عصار و مکه زعفرانی و سیواس محمد جاری این جماعت و کیلان او بودند که به صد هزار و

۱ همان، ص ۳۲۰.

۲ همان، ص ۴۰۱.

۳ ابوالفدا (۱۳۵۵)، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۴۹۹.

۴ ابن اسفندیار، همان، ج ۱، ص ۸۰.

۵ همان، ص ۸۱.

۶ ابن اسفندیار، همان، ج ۱، ص ۸۰.

دویست هزار دینار تحویل ایشان بودی که به جهت دیوان او خرید و فروخت کردند و پانصد استر با ده مرد آخورسالار همیشه غله او باستراباد در دامغان بردندی برای فروختن^۱. در عصر شاه غازی رستم و پس از آن که باوندیان سیاست توسعه اقتصادی و رشد تجارت و شهرنشینی را در پیش گرفتند، تاجران مسلمان به همراه کالاهایشان برای رفتن به سرزمین خزران از گرگان و طبرستان عبور می کردند. برخی نیز از سواحل طبرستان سوار بر کشتی می شدند و در اتل، شهر بندری خزران، پیاده می شدند و از آنجا سوار بر قایق به سرزمین های اروپای شرقی به ویژه سرزمین بلغارها می رفتند.^۲ نباید فراموش کرد که سیاست شاه غازی سبب رشد و رونق تجارت دریایی از مسیر طبرستان شد. و دستور داد چهارصد کشتی بسازند و در دریای خزر از آن ها استفاده کنند. از دیدگاه نگارنده، این امر سبب شد سفر دریایی از مسیر خزر طرفداران بیشتری پیدا کند؛ در حالی که تا پیش از این کشتی های تجاری کم تری در کناره های جنوبی دریای خزر وجود داشت و اگر هم کشتی تجاری در ناحیه دیده می شد، از آن خزران بود. این راه دریایی از طبرستان و احتمالاً از بندر الهم آغاز می گشت و با حرکت در کرانه ها به دیلم و گیل می رسید و از آنجا به شروان و سپس به سمندر و اتل، که دو شهر مهم خزران بودند، می پیوست و در نهایت از سرزمین خزران به دربند و بلغار اتصال می یافت. اما این مسیر را در اصل باید مسیر تجاری طبرستان به دربند دانست و تجارت اصلی بین این دو سرزمین برقرار بود. افزایش روابط تجاری بین سرزمین های حاشیه دریای خزر سبب پیوند سیاسی و فرهنگی مردمان ساکن در پیرامون این دریاچه را در آن عصر فراهم می ساخت.

باب الابواب (دربند) از راه دریای خزر با دیگر سرزمین های پیرامون دریای خزر از جمله طبرستان و گرگان، مرتبط بود. در طبرستان پارچه کثانی تهیه می شد که اهالی اران، ارمنستان و آذربایجان از آن لباس تهیه می کردند.^۳ پیش از این عصر نیز تجارت ابریشم در طبرستان رواج داشت، اما احتمالاً تاجران سرزمین های دیگری آن را می خریدند و به سایر نقاط ارسال می نمودند؛ چرا که ابن حوقل اشاره می کند که در تمامی سرزمین طبرستان ابریشم به دست می آید که به همه جا فرستاده می شود و هیچ جای دنیا در کثرت ابریشم به پای طبرستان نمی رسد و جامه های طبری را گران قیمت و با کیفیت توصیف می کند و می گوید آن را از همین ابریشم

۱ همان، ج ۲، صص ۸۹-۹۰.

۲ الشریف ادربیسی [بی تا]، نزهة المشتاق فی اختراق الافاق، ج ۲، دمشق: مکتبة الثقافة الدینیة، ص ۸۳۲.

۳ ادربیسی، همان، ج ۲، ص ۸۳۲.

تهیه می‌نموده‌اند.^۱

باوندیان، علاوه بر ارتباط با قفقاز، با خوارزم نیز در ارتباط بودند.^۲ اما ظاهراً این تجارت در قفقاز و دربند از رونق بیشتری برخوردار بود و بازرگانان روس (صقلاب) از مسیر دریای خزر به تجارت پوست و خز، به ویژه پوست روباه سیاه و شمشیر، می‌پرداختند. پادشاه خزران نیز از این تجارت یک دهم مالیات دریافت می‌کرد. خزران از راه دریا به گرگان می‌رسیدند و از آنجا سوار بر چهارپایان به بغداد یا خراسان می‌رفتند. این خرداد به که از بیشتر مسیرهای تجاری و غیر تجاری در عصر خود یاد کرده، در مورد مسیر طبرستان تنها به عبور روس‌ها از آن اشاره نموده است.^۳

محصول دیگر طبرستان، چوبینه^۴ و چوب شمشاد بود که آن را به صورت قطعاتی می‌بردند و از طبرستان به سرزمین‌های دیگر می‌فرستادند و صنعتگران ری از آن کاسه می‌ساختند.^۵ مقدسی به پارچه‌های طبری اشاره می‌کند که از آن قبا و طیلسان دوخته می‌شد. علاوه بر این، انواع پارچه‌های نازک نیز در طبرستان بافته می‌شد که جامه مردمان آنجا نیز از همان بود. در ولایت کبود جامه در مجاورت طمیس ابریشم فراوان به دست می‌آمد. کیسه‌ها، طیلسان‌ها و پارچه‌هایی با بافت درشت طبری حتی به مکه نیز برده می‌شد.^۶

در بازار ساری پارچه‌های مرغوبی بافته می‌شد. در مقامات حمیدی، از آثار ادبی سده ششم هجری قمری، در داستانی اشاره شده است که شخصی دستاری از طرایف فروشان طبرستان خرید؛ و به این نکته اشاره شده که کالاهای آنجا از تنوع فراوانی برخوردار بوده است.^۷ طرایف فروشان در اصطلاح تاجران دوره گردی بودند که کالاهای منطقه خود را به سایر نقاط دیگر می‌بردند. این داستان نشان می‌دهد که در آن عصر رونق تجارت و شهرنشینی سبب رشد طبقه مورد بحث در طبرستان و افزایش شمار آنان شده است. طبرستان از معادن و سنگ‌های گران قیمت بی‌بهره بود. در شهر آمل فرش‌های طبری بافته می‌شد.^۸

۱ ابن حوقل، همان، ص ۱۲۳.

۲ ابی‌عبید بکری [بی‌تا]، المسالک والممالک، ج ۱، بیروت: المؤسسة الوطنية للترجمة والدراسات بیت‌الحکمه، ص ۲۰۵.

۳ ابن خردادبه (۱۳۷۱)، المسالک والممالک، ترجمه سعید خاک‌سرنند، مقدمه از آندره میکل، تهران: نشر میراث مکتوب، ص ۱۲۵.

۴ اصطخری، همان، ص ۱۷۲.

۵ لسترنج، همان، ص ۴۰۱.

۶ مقدسی، همان، ص ۵۴۳.

۷ محمد تقی بهار (۱۳۸۸)، سبک‌شناسی یا تاریخ‌تطور نثر فارسی، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۳، ص ۵۸.

۸ ابن‌رسته، همان، ص ۱۷۷.

در سرزمین رویان، واقع در غرب طبرستان که شامل تنکابن، کلارستاق، چالوس و کجور با مرکزیت کچه یا کجور امروزی است، پارچه‌های سرخ پشمی تولید می‌شده که از آن بارانی به دست می‌آمده و به نقاط مختلف جهان ارسال می‌گشته است.^۱ در طبرستان پارچه پشمی، فرش، پوشاک و دستار بافته می‌شد. همچنین ظرف‌های چوبی، کاسه و اشیایی که از چوب شمشاد ساخته می‌شده، از محصولات عمده طبرستان به شمار می‌رفته است. در سده‌های نخست اسلامی در طبرستان نوع خاصی از شراب نیز به دست می‌آمد.^۲ اغلب کالاها و تولیداتی که از آن یاد شد، علاوه بر این که در داخل طبرستان مورد داد و ستد قرار می‌گرفت، در خارج از آن نیز مشتریانی داشت. اما از زمان باوندیان اسپهبدی و رشد تجارت و قدرت یافتن بازرگانان و پیشه‌وران، بر حجم این مبادلات افزوده گردید.

یکی از ویژگی‌های تجارت در سده‌های میانه رواج ساخت خانقاه‌ها در مسیرهای تجاری بود که کاربرد شیبه به کاروان‌سرا داشت. در طبرستان عصر باوندیان چند نمونه از این خانقاه‌ها احداث شد. طبق نوشته منابع، ظاهراً ملک زاهده خاتون، خواهر پادشاه سلجوقی، نخستین فردی بود که وصیت کرد در مکان دفنش خانقاهی در محله قراکوی ساری بنا شود.^۳ وی سنت ساخت خانقاه را که در بین سلجوقیان متداول بود، در این ناحیه رواج داد. او از نقش سیاسی و اقتصادی این خانقاه‌ها آگاهی داشت. پیش از آن کرامیان در نواحی کوهستانی طبرستان خانقاه داشتند.^۴ نمونه‌های مطرح شده دال بر رشد اقتصاد متکی بر تجارت در عصر باوندیان اسپهبدیه است.

ضرب سکه و عیار آن از ویژگی‌های رشد و رونق اقتصادی است. در سده‌های نخست، سکه‌های اسپهبدان به خط پهلوی ضرب می‌شد که در آن خود را شاه طبرستان می‌خواندند. جنس این سکه‌ها از مفرغ بود و عنوان «محمد رسول الله» بر آن ذکر شده بود که به نام سکه‌های «عرب-ساسانی» یا سکه‌های «طبرستان» شناخته می‌شوند.^۵ نقود مردم طبرستان به دینار و درهم بود.^۶ حاکمان طبرستان، از جمله ملوک باوندی، پس از اسلام سکه‌هایی ضرب می‌کردند

۱ برزگر، همان، ج ۱، صص ۱۸-۲۱.

۲ ابن‌حوقل، همان، ص ۱۳۴.

۳ ابن‌اسفندیار، همان، ج ۲، ص ۷۴.

۴ مقدسی، همان، ص ۵۳۹.

۵ ابوالفتح قهرمانی (خردادماه ۱۳۵۰)، «سکه نشان قومیت و آزادیگی»، مجله هنر و مردم، صص ۹-۱۱.

۶ ادریسی، همان، ص ۶۸۸.

که بر روی آن عنوان «پادشاه طبرستان» حک شده بود و از ذکر نام مشخص خویش خود داری می‌کردند.^۱ به احتمال فراوان تمام شهریاران طبرستان از یک نوع سکه برای داد و ستد استفاده می‌نمودند. عدم ذکر نام خاص پادشاه می‌توانسته است بدان منظور باشد که سکه‌های باوندی که به سبک ساسانیان بود، در خارج از قلمرو آنان، البته در حاشیه جنوبی دریای خزر، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

اما این پرسش نیز مطرح می‌گردد که باوندیان در تجارت با خارج از قلمرو خود، به ویژه در مبادلات تجاری با ناحیه قفقاز، از چه سکه‌هایی استفاده می‌کرده‌اند.

سکه‌های این نواحی را می‌توان به چند دسته زیر تقسیم‌بندی کرد: دسته نخست سکه‌هایی که تا پیش از اصلاحات دستگاه دیوانی امویان رایج بود و در واقع شامل دوره باوندیان شاخه نخست می‌شود که با عنوان «سکه‌های عرب - ساسانی» شناخته می‌گردد و متأثر از سکه‌های ساسانی بودند. البته این سکه‌ها از آن زمان تا سقوط امویان در جریان بوده است. این درهم‌ها، علاوه بر کاربرد داخلی و استفاده از آن برای تجارت خارجی، خود نیز به تنهایی کالایی محسوب می‌شد که به روسیه صادر می‌گشت. سکه‌های سلسله‌های اسلامی را از مسیر شرق نزدیک به روسیه صادر می‌کردند.^۲ در سرزمین‌های شمالی و شمال غربی دریای خزر که از دولت‌های کم‌اهمیت روس‌ها و خزران تشکیل می‌شد، سکه‌هایی شبیه به درهم‌های اسلامی ضرب می‌شد.^۳ البته در قلمرو خزران این سکه‌ها را با نام قهرمان شان پیکو ضرب می‌کردند.

این تجارت سکه و آشنایی با سکه‌های اسلامی، چه در دورانی که سکه‌های عرب - ساسانی در قلمرو باوندیان و سایر سرزمین‌های حاشیه جنوبی دریای خزر رواج داشت، و چه پس از قدرت یافتن عباسیان و اصلاحاتی که آنان در راستای یکسان سازی نوع سکه‌ها و حذف درهم‌های اموی در قلمروشان در پیش گرفتند، از مسیرهای تحت نظارت باوندیان انجام می‌شده است. به عنوان نمونه، نهضت سنباد که مورد حمایت اسپهبد خورشید قرار گرفته بود، مسیر تجاری خراسان به عراق و بالعکس و راه بسطام به جرجان را ناامن کرد. این

۱ محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۷۳)، تاریخ طبرستان (التدوین فی احوال جبال شروین)، تصحیح میترا مهرآبادی، با مقدمه محمد جواد مشکور، تهران: دنیای کتاب، ص ۳۰.

2 Tomhas Noonan (1998), *The Islamic world Russia and wiking*, Ashgat, p.67 .

3 Ibid, p.68.

سال‌ها که آغاز پیدایی تجارت دریایی با اروپا بود، از اهمیت والایی برخوردار است؛^۱ چرا که آشفته‌گی و عدم امنیت مسیرهای داخلی سبب رکود تجارت خارجی می‌شد؛ اگر چه تا آن زمان تجارت دریایی رشد چندانی نکرده بود، اما صحبت از مسیر بسطام و جرجان حاکی از اهمیت مسیری است که به شهری بندری یعنی استرآباد اشاره دارد که در آغاز دوره عباسیان تنها بندر سواحل جنوبی دریای خزر به شمار می‌رفته و این نواحی را از طریق سرزمین‌های قفقاز به اروپای شرقی متصل می‌کرده است. دلیل این گفته سکه‌هایی است که در نتیجه حفاری‌ها در یکی از شهرهای اروپای شرقی به دست آمده است: در ساخایا واقع در شمال شرقی کشور چک، سفالینه‌هایی حاوی سکه‌های اسلامی یافت شده است که قدیم‌ترین آن‌ها مربوط به سال ۵۵۶ هجری و جدیدترین‌شان به سال ۸۰۵ هجری تعلق دارد. در بین این گنجینه، سکه‌هایی از اسپهبدان طبرستان نیز دیده می‌شود.^۲ همان‌طور که پیش از این گفته شد، عصر باوندیان اسپهبدی (۴۶۶-۶۰۶ هجری) که معاصر با سلجوقیان بودند، دوران رشد تجارت دریایی و زمینی بود و صلح و امنیت سیاسی و اجتماعی علت اصلی این وضعیت به شمار می‌رفت.

۷. راه‌های ارتباطی

برای بررسی تحولات اقتصادی قلمرو باوندیان اسپهبدی و دلایل رشد اقتصاد شهری آن، ابتدا باید راه‌های مهم ارتباطی این نواحی را مورد پژوهش قرار داد. به طور کلی طبرستان از راه‌های زمینی چندانی برخوردار نیست. راه‌های ارتباطی اصلی طبرستان عصر باوندیان را به دو راه اصلی می‌توان تقسیم کرد: ۱. راه‌های دریایی، ۲. راه‌های زمینی. شاخص‌ترین راه دریایی، دریای خزر بود. برخی منابع این عصر دریای خزر را به دلیل فقدان مرجان، بی‌فایده به شمار می‌آورند؛^۳ یا به بیان دیگر، فاقد منابع زیرین دریا یا محصولی خاص ذکر می‌کنند. گویا مقصود منابع از این اشارات تأکید بر عدم اهمیت نداشتن و غیر اقتصادی بودن دریای خزر بوده است. بیشتر مردم سرزمین جنوبی دریای خزر از آن تنها برای ماهی‌گیری یا پیمودن مسافت‌های کوتاه استفاده می‌کردند.

ظاهراً تا مدت‌ها آبسکون که سه روز از گرگان فاصله داشت^۴ و عین‌الهم (علمده امروزی)،

1 Ibid (1972), p.157.

2 Noonan(1998), Ibid, p. 8.

۳ ناصرخسرو، همان، ص ۱۹۳.

۴ خواجه نظام الملک، همان، ص ۳۳۹.

دو بندر سرزمین‌های جنوبی دریای خزر بوده‌اند.

با وجود این، نمی‌توان به طور قطع مدعی شد که در دوره باوندیان نخستین، به هیچ وجه فعالیت‌های تجاری از مسیر دریای خزر انجام نمی‌شده است. به عنوان مثال، در سیاست‌نامه به نقل از جعفر برمکی حکایتی آمده که در آن به بندری در نزدیکی آمل اشاره شده است. وی در مسیر سفر از نیشابور به دمشق، در آمل مورد استقبال پادشاه طبرستان قرار گرفت و سوار بر کشتی در سواحل خزر به گردش پرداخت.^۱ این روایت بیانگر رواج سفرهای دریایی در کرانه‌ها برای حرکت در مسیرهای کوتاه در عصر باوندیان نخستین است.

بنادر دیلم و استرآباد در حاشیه جنوبی دریای خزر، مهم‌ترین راه‌های ارتباطی بودند که این سواحل را به باب‌الابواب (در بند) قفقاز یا به گفته منابع همعصرش به بلاد کفر، که شاید منظور سرزمین خزران بوده است، متصل می‌کرده‌اند.^۲ نزدیکی کرانه‌های دریای خزر به یکدیگر سبب ارتباط بیشتر مردمان پیرامون آن بوده است. پس از رونق تجارت در عصر باوندیان، بسیاری از بازرگانان از جزیره آسکون در استرآباد سوار بر کشتی می‌شدند و از راه دریا به سرزمین‌های دیلمان، خزران و دربند سفر می‌کردند.^۳ بندر الهم (علمده) شهری کوچک بر کران دریای خزر، جای کشتی‌بانان و بازرگانان بوده است.^۴ این بندر هر چند در قلمرو باوندیان قرار داشت، اما حاکم اصلی که در بین مردم ناحیه قدرت داشت، حاکم رویان بود که «استندار» خوانده می‌شد و روابط خوبی بین او و باوندیان برقرار بود.^۵ عکس این مسیر دریایی نیز کاربرد داشت. به عنوان مثال، خاقانی شروانی که در دربار شروان در ناحیه اران می‌زیست، برای سفر به خراسان از مسیر دریای خزر بهره گرفته، چنان که خود به این قضیه اشاره کرده است:

سی دریا روم و بر طبرستان گذرم که افتخار طبرستان به خراسان یابم
چون زآمل رخ آمال به گرگان آرم یوسف دل نه به گرگان به خراسان یابم^۶

۱ همان، ص ۴۷۷.

۲ مقدسی، همان، ص ۲۷.

۳ اصطخری، همان، ص ۱۷۳.

۴ [مجهول المؤلف]، همان، ص ۱۴۶.

۵ ابن اسفندیار، همان، ج ۲، ص ۱۴۲؛ مرعشی، همان، ص ۱۷.

۶ خاقانی شروانی (۱۳۶۸)، دیوان اشعار، تصحیح ضیاء الدین سجادی، تهران: انتشارات زوار، ص ۵۹۹؛ غفار کندلی هریسچی (۱۳۷۴)، خاقانی شروانی (حیات، زمان و محیط او)، ترجمه میر هدایت حساری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۲۹۷.

این آیات بیانگر سفر او از قفقاز در مسیر دریای خزر به خراسان است که سلجوقیان قدرت اصلی در آن منطقه بودند و تجارت و داد و ستد در این مسیر رونق فراوان داشت. پس از طی مسیر دریایی و حضور در طبرستان، از آمل به گرگان و از آنجا به خراسان می‌رفته‌اند. سفر در کرانه‌های دریای خزر به منظور جابه‌جایی و به عنوان راه دریایی، پیش از این عصر نیز مطرح بوده؛ چرا که مسعودی مورخ سده چهارم هجری قمری که به سایر سرزمین‌ها نیز سفرهایی داشته، اشاره کرده از ساحل گرگان به طبرستان و سرزمین‌های دیگر رفته است. همچنین وی به رودی که از سرزمین خزران به دریای خزر می‌ریخته، اشاره نموده که در کنار راه دریایی گرگان جزو مسیرهای دریایی بوده است که اغلب کشتی‌های روس از آن راه وارد دریای خزر می‌شده^۱ و امنیت سایر نواحی حاشیه‌خزر را تهدید می‌کرده‌اند. این نمونه بیانگر استفاده از دریای خزر به عنوان یک مسیر ارتباطی در آغاز عصر مورد نظر ماست.

علت حمله‌های سلجوقیان و ترکان غز به طبرستان نیز همین بود، چرا که مسیر تصرفات سلجوقیان در راستای مسیر تجارت ابریشم قرار داشت. دریای خزر تنها راه ارتباطی با ناحیه اران و دربند نبود، بلکه راه ارتباطی سواحل جنوبی با ترکان نیز به شمار می‌رفت. دریای طبرستان به دریای آزاد متصل نیست و رودی که از روسیه به دریای خزر می‌ریزد (ولگا) راه اتصال آن به ناحیه ترکان و بلغارها محسوب می‌شد.^۲ ظاهراً پیش از رواج گسترده اسلام بیشتر روابط تجاری این منطقه با روس‌ها از مسیر دریای خزر بوده است.

راه‌های زمینی واقع در قلمرو باوندیان به دو دسته اصلی تقسیم می‌شد: نخست راه‌هایی که سرزمین‌های داخلی طبرستان را به یکدیگر متصل می‌کرد، و دسته دوم راه‌هایی که طبرستان را به دیگر سرزمین‌ها پیوند می‌داد. راه‌های داخلی، مانند راهی که از طمیس به عبور از رباط حفص به جرجان می‌رسید که برای سفر به مامطیر و رامسر باید از آن عبور می‌کردند. ادریسی نیز آمل را مسیر اصلی ارتباطی بین جرجان و طبرستان می‌داند.^۳ شرقی‌ترین شهر طبرستان طمیس است و غربی‌ترین آن رامسر. شهرهای جلگه‌ای و کوهستانی واقع در این مسیر در دوره‌های مختلف تاریخی دستخوش تغییر اسامی یا تغییر مکانی شده‌اند. آمل، نادل، سالوس، کلار، رویان، میله، برجی، عین‌الهم، مامطیر، ساری، مهروان، لمراسک و تمیش را می‌توان از

۱ مسعودی، همان، ص ۱۲۳.

۲ ادریسی، همان، ج ۲، ص ۸۳۱.

۳ ادریسی، همان، ص ۶۸۵.

شهرهای اصلی طبرستان عصر باوندیان دانست.^۱ راه‌های ارتباطی طبرستان نیز در همین مسیر قرار می‌گرفته‌اند.

راه‌هایی که طبرستان را به خارج از آن متصل می‌کردند، نخست راهی بود که ساری را به ری وصل نمود. از ری تا ساری دارای هفت منزل راه بود.^۲ این راه علاوه بر این که طبرستان را به ری متصل می‌کرد، از مسیرهای سفر به خراسان نیز شمرده می‌شد. مسافران از طبرستان به ری و سپس به خراسان می‌رفتند. راهی دیگر نیز از آمل به دیلم می‌رسید.^۳ این راه به احتمال فراوان از مسیرهای صعب العبور کوهستانی می‌گذشت. از آمل نیز راهی به ری وجود داشت.^۴ در واقع دو راه برای سفر به ری موجود بود که از مهم‌ترین شهرهای سیاسی و اقتصادی سده‌های میانه ایران می‌گذاشت: یکی راه ساری که تخته‌گاه باوندیان بود و دیگری راه از آمل که به طور سنتی حاکم آن عرب بود و این راه به ری می‌رسید.

یکی از استفاده‌هایی که از این راه می‌شد، در امر داد و ستد و بازرگانی بود. ابودلف به این مسیر ارتباطی اشاره می‌کند که از آذربایجان به دشت مغان و سپس به سواحل دریای خزر و از آن جا به باکو می‌رسیده است. این مسیر ارتباطی نشان می‌دهد پیش از دوران رونق بندر الهم (علمده) و استفاده از مسیرهای دریایی برای تجارت و حمل و نقل، کمتر از مسیر زمینی برای ارتباط با سرزمین‌های آن سوی دریای خزر و ناحیه قفقاز استفاده می‌شده است. کالاهایی که در طبرستان تولید می‌شد، از این مسیرها به خارج از این سرزمین برده و و یا بالعکس آورده می‌شد. تا پیش از اصلاحات شاه غازی (۵۳۴ هـ.ق) ظاهراً راه‌های زمینی از رونق چندانی برخوردار نبوده است.

نتیجه‌گیری

در مجموع باید گفت، شیوه تولید رایج در جوامع، بر شکل اقتصادی و روابط جوامع تأثیر گذار است. ساختار اقتصادی و شیوه تولید اقتصادی بر صورت‌بندی اجتماعی و عملکرد روبنای جامعه تأثیر می‌گذارد. باوندیان در آغاز بر یک جامعه روستایی خودکفا فرمان می‌راندند که

۱ اصطخری، همان، ص ۱۷۲؛ لسترنج، همان، ص ۴۰۱.

۲ یعقوبی، همان، ص ۵۲.

۳ ادریسی، همان، ص ۶۸۶.

۴ بارتولد، همان، ص ۲۴۰.

در چنین جوامعی، شیوه تولید کشاورزی زمینه حاکمیت و تسلط قدرت زمین‌دار یا مالک را فراهم می‌کند. شکل‌گیری و انسجام باوندیان به صورت یک دولت سبب پیوند سیاست و اقتصاد در سرزمین‌های حاشیه جنوبی دریای خزر شد.

نباید فراموش کرد که توزیع قدرت سیاسی در قلمرو باوندیان نخستین در ارتباط با مالکیت اراضی وسیع بود و همانا زمین‌داران یا بزرگ مالکان بودند که باید قدرت شاه باوندی را تأیید می‌کردند. این قدرت اقتصادی مالکان زمینه دخالت سیاسی آنان را در انتصاب جانشین شاه مهیا می‌نمود. شاید همین مسئله زمینه اصلاحات اقتصادی جدی شاه غازی رستم را فراهم آورد. شاه غازی که منابع او را چهره‌ای مذهبی و مستبد معرفی نموده‌اند، به توسعه شهرنشینی و حمایت از تاجران و بازرگانان پرداخت. او اقتصاد بسته رایج در قلمرو باوندیان را که تنها متکی بر کشاورزی و زمین‌داری بود، با اتکا به بازرگانان و پیشه‌وران به اقتصادی باز و پویا تبدیل کرد. در واقع می‌توان گفت او زمینه ایجاد طبقه متوسط شهری را در زمین‌های تحت حاکمیت خود فراهم نمود. این تحولات منجر به رشد اقتصاد بازار و سبب زوال روستا و شیوه تولید کشاورزی در طبرستان نشد، بلکه تنها از قدرت سیاسی روستاها کاست و در مقابل، سبب پیوند شهر و روستا شد.

یکی از علت‌های انزوا و جدایی سرزمین‌های جنوبی دریای خزر از سایر اراضی تحت قلمرو دولت‌های ایرانی و پس از آن اسلامی، علاوه بر علت‌های جغرافیایی، نوع اقتصاد و شیوه تولید آن بود. اتکا به تولیدات درون این سرزمین و استفاده از آن، سبب می‌شد اهالی اغلب احتیاج‌هایشان را خود تهیه کنند و از برقراری ارتباط با سرزمین‌های دور دست بی‌نیاز شوند. این ویژگی عاملی شد برای این که شهرنشینی و اقتصاد شهری که متکی بر تجارت در سطح گسترده بود و در سده‌های میانه در غالب شهرهای ایران رواج داشت، در قلمرو باوندیان و حتی تمامی سرزمین‌های حاشیه جنوبی دریای خزر دیرتر رشد کند. مجموعه این تحولات زمینه ساز رشد اقتصاد متکی بر تجارت در طبرستان عصر باوندیان اسپهبدیه گردید.

منابع و مأخذ

- ابن‌اسفندیار کاتب، بهاءالدوله محمدبن حسن (۱۳۶۶)، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران: کلاله خاور، چ ۲.
- ابن‌حوقل (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن‌حوقل، (ایران در صورت الارض)، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات

- امیر کبیر، چ ۲.
- ابن خردادبه (۱۳۷۱)، *المسالك والممالك*، ترجمه سعید خاک سرنده، مقدمه از آندره میکال، تهران: نشر میراث مکتوب.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، *اعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ابوالفداء (۱۳۵۵)، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابودلف (۱۳۴۲)، *سفرنامه ابودلف در ایران*، با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- ادریسی، الشریف [بی تا]، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، ج ۲، دمشق: مکتبه الثقافة الدینیة.
- اسلامی، حسین (۱۳۷۳)، *جغرافیای تاریخی ساری*. ساری: نشر جرس.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۶۸)، *مسالك والممالك*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۳.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۷۳)، *تاریخ طبرستان (التدوین فی جبال شروین)*، تصحیح میترا مهرآبادی، با مقدمه محمد جواد مشکور، تهران: دنیای کتاب.
- بارتولد، (۱۳۸۶)، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سر دادور، تهران: انتشارات توس، چ ۳.
- برزگر، اردشیر (۱۳۸۰)، *تاریخ طبرستان*، ج ۲، تهران: نشر رسانش.
- بکری، ابی عیید [بی تا]، *المسالك والممالك*، ج ۱، بیروت: المؤسسة الوطنية للترجمة و الدراسات بیت الحکمه.
- بهار، محمد تقی (۱۳۸۸)، *سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی*، ج ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ ۳.
- بلوخ، مارک (۱۳۶۳)، *جامعه فتودالی*، ترجمه بهزادباشی، ج ۱، تهران: انتشارات آگاه.
- بناقی، سید حسین (۱۳۸۴)، *شجرة الامجاد فی تاریخ میرعماد*، تصحیح فریده یوسفی زیرابی، ساری: نشر شلفین.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳)، *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- البیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۵ م)، *الجماهر فی الجواهر*، تحقیق یوسف الهادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جمال الدین ابوروح لطف الله بن ابی سعید بن ابی سعد بن ابوسعید (۱۳۶۶)، *حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگاه.
- حموی، یاقوت (۱۳۶۲)، *برگزیده مشترک یاقوت حموی*، ترجمه پروین گنابادی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ ۲.
- خاقانی شروانی (۱۳۶۸)، *دیوان اشعار*، تصحیح ضیاء الدین سجادی، تهران: انتشارات زوار.
- خواجه نظام الملک (۱۳۷۲)، *سیرالملوک (سیاست نامه)*، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۳.
- قهرمانی، ابوالفتح (خرداد ماه ۱۳۵۰)، «سکه نشان قومیت و آزادی»، *مجله هنر و مردم*، صص ۹-۱۱.

- لسترنج، گی (۱۳۷۷)، *جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۳.
- مجهول المؤلف (۱۳۶۲)، *حدود العالم من المشرق الى المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات طهوری.
- محمد بن منور بن ابی سعید بن ابی طاهر بن ابی سعید (۱۳۷۸)، *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابو سعید ابوالخیر*، تصحیح حسین بدرالدین، تهران: انتشارات سنایی.
- مرعشی، ظهیر الدین (۱۳۶۱)، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، مقدمه از محمد جواد مشکور، به کوشش محمد حسین تسیحی، تهران: نشر گستره.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۳۶)، *نزهة القلوب*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، [بی جا]: [بی نا].
- مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین (۱۳۶۸)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۴.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۸۵)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: انتشارات کوش، چ ۲.
- مؤید ثابتی، سیدعلی (۱۳۴۸)، *اسناد و نامه های تاریخی از اوایل دوره های اسلامی تا اواخر عهد شاه اسماعیل صفوی*، تهران: انتشارات طهوری.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۸۷)، *دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی*، تصحیح مجتبی مینوی - مهدی محقق، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۷.
- نظامی گنجه ای (۱۳۷۶)، *شرفنامه*، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره، چ ۲.
- ولی، عباس (۱۳۸۰)، *ایران پیش از سرمایه داری*، ترجمه حسن شمس آوری، تهران: نشر مرکز.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۴۷)، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- Noonan, Tomhas (1998), *The Islamic world Russia and Wikings*, Ashga.